روزنامه شهروند
فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی
www.shahrvand-newspaper.ir
صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال
سردبیر: کسری نوری
نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷
کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷- ۴۴۹۵۶۱۰۱
چاپ: روزتاب
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق
تلفن امور شهرستان‌ها: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

اوقات شرعی:
اذان صبح ۰۴:۱۲:۱۰ | طلوع آفتاب ۰۵:۵۳:۲۷ |
اذان ظهر: ۱۳:۰۱:۱۳ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۸:۵۸ |
اذان مغرب: ۲۰:۲۹:۲۶ |

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت...

در برابر مشرکان، از مشرکان دیگر یاری نجوئید. **حضرت محمد(ص)**

کنج دل

صد دوا بادا فدای درد بی‌درمان ما
دُرد دردش نوش کن گر می‌بری فرمان ما
ما حیات جاودانی یافتیم از عشق او
همدم زنده‌دلان شو تا بدانی جان ما
خانه خالی کرده‌ایم و خوش نشسته بر درش
غیر او را نیست بارش در سرابُستان ما
جان ما آئینه‌دار حضرت جانان بود
عشق او گنجی است در کنج دل ویران ما
غرق دریائیم و خوش خوش دست و پایی می‌زنیم
ذوق اگر داری درآ در بحر بی‌پایان ما
خون دل در جام دیده پیش مردم می‌نهیم
در خیال آن که بنشیند دمی بر خوان ما
نعمت دنیی و عقبی آن تو ای نازنین
ما از آن نعمت‌الله، نعمت‌الله آن ما
شاه‌نعمت‌الله‌ولی

تقویم تاریخ

رخداد

- قیام **المُقنع** در خراسان، بر علیه حکومت تازه‌تأسیس عباسیان، برای احیای استقلال و حاکمیت ایران (۱۴۵ خورشیدی)
- آغاز پنجمین **جنگ صلیبی** با یورش صلیبیون از عکا به سمت مصر (۱۲۱۸ میلادی)
- قانونی شدن **پروتستانیسم** در بریتانیا با تصویب پارلمان انگلستان و کنار گذاشته شدن کاتولیک رومی از سیاست این کشور (۱۶۸۹ میلادی)
- مخابره نخستین **پیغام تلگرافی** توسط مبدع آن ساموئل مورس، از شهر واشنگتن دی‌سی به بالتیمور (۱۸۴۴ میلادی)
- شکست یگان‌های ارتش مکزیک در **کالیفرنیا** در جنگ با واحدهای نظامی ایالات متحده و تصرف این منطقه توسط دولت واشنگتن (۱۸۴۶ میلادی)
- گشایش **پل بروکلین**، پیونده دهنده بروکلین به منهتن و از کارهای برجسته مهندسی سده نوزدهم میلادی در ایالات متحده (۱۸۸۳ میلادی)
- غرق رزمناو انگلیسی هود با شلیک نخستین توپ **ناو بیسمارک** آلمان، در نخستین ماموریت جنگی آن (۱۹۴۱ میلادی)
- آزادسازی **خرمشهر** از اشغال نیروهای عراقی، توسط نیروهای مسلح ایران، طی عملیات بیت‌المقدس پس از ۵۷۸ روز (۱۳۶۱ خورشیدی)

طلوع

- **ژان پل مارا** – پزشک، نویسنده و انقلابی رادیکال فرانسوی (۱۷۴۳ میلادی)
- **میخائیل شولوخف** - نویسنده روس، مؤلف رمان دُن آرام و برنده جایزه نوبل ادبیات (۱۹۰۵ میلادی)
- **جوزف برودسکی** - شاعر روسی، برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۸۷ برای مجموعه اشعار (۱۹۴۰ میلادی)
- **باب دیلن** - خواننده و ترانه‌سرای موسیقی بومی و راک آمریکایی (۱۹۴۱ میلادی)

غروب

- **نیکلاس کوپرنیک** - ستاره‌شناس، ریاضیدان و اقتصاددان لهستانی (۱۵۴۳ میلادی)
- **روبرت فون گرایم** - فیلدمارشال آلمانی در دوره رایش سوم، آخرین فرمانده کل لوفت‌وافه (نیروی هوایی) در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ میلادی)

شهرونگ

ما ایرانی‌های نازنین (۲)

سوشیانس شجاعی‌فرد
طنزنویس
soshyians.fard@gmail.com

کریستف کلمب–سواحل جنوبی ایران
سال ۸۷۱ هجری خورشیدی

چی داشتم می‌گفتم؟! آها داشتم می‌گفتم که یک پای خرسه رو گذاشتم روی این شونه و اون یکی پاشو گذاشتم روی اون شونه مو و خرسه رو آوردم خونه!
خب خاطره جالبی بود! شما ایرانی‌ها خیلی شجاعید! ولی شما فکر کن پونصد سال دیگه یه عده اینو می‌خونند باید متوجه بشوند چی به چی است؟! یک آنچه گذشت بیایید لطفا!

در مطلب روز پنجشنبه به این موضوع پرداختیم که اگر کریستف کلمب به جای آمریکا به سواحل ایران می‌رسید با چه صحنه‌هایی مواجه می‌شد! صحنه‌ای که در بالا خواندید در یک غروب و درحالی که یکی از بومی‌های ایران، کریستف کلمب را به کشیدن قلیان دعوت کرده بود، اتفاق افتاد! (خودمان می‌دانیم که تنباکو بعد از کشف آمریکا به مناطق دیگر برده شد! ولی آن موقع اگر در ایران تنباکو هم نبود، دو سیب که بود!)

و حالا ادامه ماجرا:

کریستف کلمب در بازگشت از قهوه‌خانه متوجه می‌شود که کشتی‌اش نیست! دو دستی می‌زند توی سرش و داد می‌زند: هوار هوار بردند، دار و ندار ما رو، ز دست من گرفتند، کشتی آرزوهامو! ناگهان چند تا بچه بندری با یک دبه دم می‌گیرند: هوار هوار یا هوار یارم میایه! هوار هوار یا هوار، دلدارم میایه! و شروع می‌کنند به خندیدن به کریستف کلمبی که همچنان دارد می‌زند توی سرش و «دزد دریایی، دزد دریایی» می‌کند! در همین حین پیری از آن جا گذر می‌کرد. کودکان ساکت شدند. شیخ گفت: تو را چه شده است ای جوان؟! کریستف کلمب گفت: هان ای پیر! کشتی مرا دزدیده‌اند. کشتی مال کشور اسپانیا بود! پادشاه و ملکه اسپانیا کلی سکه و پول داده‌اند تا بروم و اشتباهی آمریکا را کشف کنم. الان چه کنم؟! پیر کمی تأمل کرد و فرمود: نگران نباش ای جوان. کشتی تو را کسی ندزدیده. در کشور ما دزد وجود ندارد. بدگمان مشو. ما فرهنگ ۱۹۰۰ ساله داریم. تو کشتی‌ات را بدجایی پارک کرده بودی و دیوان‌سالار آن را با جرثقیل به پارکینگ بندر برده! البته چون مسئولیت وسایل و اموال داخل آن به عهده پارکینگ نیست، دیگر امیدی به بازگرداندن اموال کشتی نداشته باش! هر چه باشد، مال بابایت که نیست، مال شاه اسپانیاست! کریستف کلمب گفت: تو که گفتی دزدی در این سرزمین وجود ندارد؟! پیر پاسخ داد: این فضولی‌ها به تو نیامده! در کار شحنه و داروغه دخالت نکن! تو شنل خویش بدران و سر به خلیج همیشه فارس بگذار!

•••

کریستف کلمب به دیوان عباسی می‌رود تا کشتی‌اش را آزاد کند. داخل دیوان که می‌شود می‌بیند همه کارمندان دیوان به جای انجام کارهای دیوانی، یک لوح دستشان گرفته‌اند و دارند بازی می‌کنند! یک عده دیگر مشغول خوردن کله‌پاچه هستند و یک عده دیگر با دمپایی راحتی در دیوان راه می‌روند! پیش نفر اول می‌رود و می‌گوید: سلام. آقا کشتی ما رو بردند پارکینگ، اومدم برای ترخیص. منشی بدون این که سرش را از روی لوحش بالا بیاورد می‌گوید یک درخواست بنویس و برو حجره روبه‌رو. کلمب به حجره روبه‌رو می‌رود، می‌گویند برو جلوی دیوان و از کاتب بخواه که دو نسخه کپی از آن بنویسد و برو طبقه بالا، می‌رود طبقه بالا می‌گویند مسئولش امروز رفته اصفهان، جلسه دیوان‌سالاران! شما برو ۴ ماه دیگر بیا! (آن موقع هنوز فردا اختراع نشده بود و افراد به ۴ ماه دیگر حواله داده می‌شدند!) کریستف کلمب از حال می‌رود و او را به شربتخانه دیوان می‌برند و آبدارچی آن جا به او حالی می‌کند که رئیس واقعی دیوان، خود اوست! کریستف کلمب حالی‌اش می‌شود که دیناری به آبدارچی بدهد تا کشتی‌اش از توقیف دیوان آزاد شود! کریستف کلمب چون کرد و کشتی‌اش را باز ستاند و دو پارو داشت، دو پاروی دیگر هم از بازار راه ابریشم خرید و شتابان به سوی سواحل اسپانیا شتافت (که البته چون دو پارویی که از بازار ایران خریده بود، چینی بودند، پاروها شکست و کریستف کلمب به همان دو پارو اولیه و بادبان‌های کشتی اکتفا کرد!)

داستانه

یک شهر و ۲ داستان

خرمشهر – چهارم آبان ۱۳۵۹

چندین شبانه روز بود که جنگ سختی در گرفته بود. گاهی هم به جنگ تن به تن کشیده شده بود. آتشبارهای دشمن غوغا کرده بودند و زمین و زمان را به هم می‌دوختند. همرزمانم تا آخرین فشنگ جنگیدند و هر کدام در طرفی به شهادت رسیدند. هرچه مهمات داشتیم تمام شد. روی بازگشت به عقبه را نداشتیم. نمی‌دانستیم چه جوابی باید به باقی بچه‌ها بدهیم. هرجا را نگاه می‌کردیم نیروهای دشمن بود که وارد شهرمان می‌شدند. خرمشهر سقوط کرد.

خرمشهر – سوم خرداد ۱۳۶۱

چندین شبانه روز بود که جنگ سختی در گرفته بود. گاهی هم به جنگ تن به تن کشیده شده بود. آتشبارهای دشمن غوغا کرده بودند و زمین و زمان را به هم می‌دوختند. همرزمانم تا آخرین فشنگ جنگیدند و هر کدام در طرفی به شهادت رسیدند. مهمات زیادی در اطرافمان ریخته بود. از ترس چوبه‌های دار حزب بعث جرأت بازگشت به عقبه را نداشتیم. هرجا را نگاه می‌کردیم نیروهای دشمن بود که وارد شهرشان می‌شدند. محمره سقوط کرد.

فوکوس ...

[مسجد جامع خرمشهر، شاهد زنده زبونی آنانی که روزی بر تن زخمی شهر نوشتند «جنا لنبقی» یعنی «آمدیم بمانیم»! عهدی که تنها ۵۷۸ روز بر آن پایدار ماندند.] ۳۳ سال پیش، برابر با سوم خرداد ۱۳۶۱ خورشیدی، خرمشهر پس از ۵۷۸ روز اشغال از سوی ارتش عراق، طی عملیات بیت‌المقدس آزاد شد. در ساعت ۶:۱۵ بامداد روز یکشنبه دوم خرداد سال ۱۳۶۱ خورشیدی نیروهای مسلح ایران، خرمشهر را به محاصره خود درآورده و افراد دشمن را با بلندگو دعوت به تسلیم کردند. روز سوم خرداد، مزدوران اشغالگر به قصد بازپس‌گیری مناطق آزاد شده اقدام به پاتک کردند که این پاتک با شجاعت دفع شد و تعداد زیادی از آنان کشته و زخمی و بیش از ۳ هزار نفر دیگر به اسارت درآمدند. آزادسازی ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران از جمله خرمشهر و تأمین ۱۸۰ کیلومتر خط مرزی، گرفتن ۱۹ هزار اسیر و تحویل ۱۶ هزار کشته و زخمی به دشمن، انهدام ۶۰ فروند هواپیما، ۳ فروند هلی‌کوپتر، ۴۱۸ دستگاه تانک و به غنیمت درآوردن یک فروند هلی‌کوپتر، ۱۰۵ دستگاه تانک و ۹۵ هزار عدد انواع مین و هزاران قبضه سلاح انفرادی، از جمله نتایج این عملیات بزرگ بود.

حسن کریم‌زاده | کارتونیست | www.karimzadehstudio.com

کارتون شهر

مهاجران و حمایت‌های سازمان ملل

دیدگاه

در حاشیه مکاتبه با دولتمردان (ح.م.د)

بیژن طاهری| خوب به خاطر دارم در سال ۱۳۵۵ که من مسئول اداری یک بخش از سازمان... شده بودم البته به زبان و معیارهای امروزی مدیرکل، اداره کل اداری سازمان... نحوه تدوین مکاتبات اداری و رعایت شئونات مقامات در انتخاب عناوین – که قطعا هرچه رفیع‌تر بودند، دشوارتر می‌نمود. همانند یک کابوس شبانه خواب از سرم می‌ربود با ذکر این نکته که مسئول قبلی هم به همین دلیل از کارش برکنار شده بود، من یا بایست نامه‌های متداول را خود امضا می‌کردم و یا برای امضای مدیران فوقانی – ببخشید بالادست – تهیه و کنترل می‌کردم. انتخاب عناوین حضرت، عالیجناب، مستطاب و... برای انبوه مکاتبات کار طاقت‌فرسایی بود. یادش گرامی و عمرش طولانی، از مدیر ستادیم چاره‌جویی کردم (آقای الف–غ) و گفت اگر این مشکل نبود من و تو را برای چه می‌خواستند؟! نمی‌دانم این هم حرفی بود. از سویی اگر با درخواست نامه مخالفت می‌شد بخش عمده تقصیرها بر گردن بی‌کفایتی بنده بود در بکارگیری عنوان مناسب و شایسته تا این که بالاخره دولت وقت با صدور بخشنامه‌ای تکلیف را روشن کرد و در این بخشنامه سطوح مقامات، همطرازی آنان و تطبیق عناوین با سطوح تشکیلاتی تعیین شد مثلا تا مقامات ذیل وزیر، همان عنوان آقا و خانم خالی کفایت می‌کرد و جناب اضافه نیز ویژه وزرا به بالا بود و همچنین همطراز آنان ضمنا تملق و چاپلوسی در مکاتبات را جرم اداری تلقی و برای عدم رعایت آن خط و نشان‌های جدی کشیدند. به هر طریق تا حد زیادی مسئولان در مکاتبات اداری حواسشان را به خود موضوع می‌دادند و چون همطرازی مقامات در مکاتبات نیز روشن شده بود، دیگر افراد هم‌سطح و هم‌طراز با زبان مشترک با هم مکاتبه می‌کردند مسلما مسئول خدمات دبیرخانه... و یا آدمی مثل بنده به خودم اجازه نمی‌دادم برای وزیر... نامه اداری بنویسم و این روش پسندیده و متداول جهانی بار سنگینی از روی دوشمان برداشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی گرچه همطرازی مقامات برای مکاتبه به شدت از بین رفت ولی حداقل با همان یک کلمه برادر و خواهر تکلیف روشن بود و هیچ‌کس بیش از این انتظار نداشت، اما با مرور زمان و به تدریج قصه عوض شد. برادر و خواهر ماند و حدود یک الی دو خط عنوان و آرزوهای متعدد برای خدمت به این و آن، موفقیت و شعارهای سال، ماه و روز نیز به آن اضافه شد بعضا گاهی اعلام مواضع سیاسی چپ و راست و... در مکاتبات رایج گردید خلاصه هرچه به نظر می‌رسید جواب مثبت را بگیرد به نامه‌ها اضافه شد مانند یادآوری‌ها، تذکرها و آرزوهای سران کشور مسلما از زبان مسئول دبیرخانه... به یک وزیر... نصف صفحه A۴ را پر می‌کند و برخی احوالپرسی‌های خصوصی و امثالهم اصل موضوع را به حاشیه می‌برد و صدالبته مقامات هم دیگر گوش‌شان پر از این حرف‌ها است مکاتبات را در اختیار چندین مسئول دفتر قرار می‌دهند و گاهی خود آنها تصمیم لازم را می‌گیرند درست یا نادرست. خلاصه همه در یک رودربایستی ملی و عمومی گرفتار شده‌ایم و از نگرانی مخالفت مسئول مربوطه یک قدم کوتاه نمی‌آییم راستش از آن طرف دولتمردان نیز تا پایان دوره دست از شعار انتخاباتی برنمی‌دارند و عناوین و صفحات برجسته‌ای را به ساختارشان افزوده‌اند و این روش از بالاترین سطح تا پایین‌ترین سطوح وزارتخانه‌ها متداول است یا لااقل ما با این عناوین با آنها مکاتبه می‌کنیم و خودشان نیز در اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و رسانه‌ها با همین عناوین مصاحبه می‌کنند و... این روش مکاتبات اداری تاثیرات منفی و برخاً مخرب در انجام امور جاری دارد و علاوه بر اتلاف وقت، نیروی انسانی و منابع مالی به صورت پنهان و آشکار فرهنگ تملق و چاپلوسی را توسعه می‌دهد و فقط دولت است که می‌تواند به این دور باطل پایان دهد و با اتخاذ روش مطلوب نظام مکاتبات همطرازی و عناوین اداری را سامان بخشد. به واقع دولت‌ها همه خداجو هستند، مدبرند و خدمتگزار که بدیهی است اصولا ذات دولت همین معنی را تداعی می‌کند. جامعه واقعا دیگر ظرفیت پذیرش این گونه شعارها را ندارد و مردم به هم می‌گویند مگر دولت باید چگونه باشد؟!

حفظ منافع ملی، ایجاد کار، رشد اقتصادی، رفاه عمومی، شادابی، امید به آینده، سلامت جامعه، حفظ ارزش‌های دینی و فرهنگی و...

...و به راستی صبورانه مشکلات را تحمل می‌کنند به امید آینده‌ان‌شاءا...

بزرگی سراسر به گفتار نیست
دو صد گفته چو نیم کردار نیست

آب و هوا

اراک	۳۱ / ۱۲	اردبیل	۱۶ / ۹	ارومیه	۱۸ / ۸	اصفهان	۲۶ / ۱۳	اهواز	۴۵ / ۲۶	ایلام	۲۵ / ۱۵
بجنورد	۲۶ / ۱۶	بندرعباس	۳۸ / ۲۳	بوشهر	۳۴ / ۲۲	بیرجند	۲۲ / ۱۱	تبریز	۲۱ / ۱۰	تهران	۳۳ / ۲۲
خرم‌آباد	۲۳ / ۱۳	زاهدان	۲۹ / ۱۶	زنجان	۲۱ / ۱۲	سنندج	۲۵ / ۱۱	شهرکرد	۱۲ / ۶	قزوین	۲۵ / ۱۲
کرمانشاه	۲۵ / ۱۱	کرمان	۳۳ / ۱۹	گرگان	۲۸ / ۱۲	رشت	۳۱ / ۱۶	ساری	۲۹ / ۱۴	کرج	۳۰ / ۱۸
شیراز	۳۵ / ۱۵	سمنان	۲۳ / ۱۱	همدان	۲۰ / ۱۲	قم	۳۱ / ۱۲	مشهد	۲۵ / ۱۳	یاسوج	۱۸ / ۱۰
یزد	۳۰ / ۱۶	ابوموسی	۳۳ / ۲۲								

...هوای سالم در پایتخت

براساس اطلاعات دریافتی از نقشه‌های پیش‌یابی، امروز در برخی مناطق شرق و جنوب شرق کشور افزایش ابر و بارش پراکنده باران را خواهیم داشت. همچنین در شمال غرب، سواحل دریای خزر، دامنه‌های البرز و شمال شرق کشور ابرناکی، رگبار باران، گاهی همراه با رعد و برق و وزش باد پیش‌بینی می‌شود. برای دامنه‌های شرقی البرز، مرکز، شمال شرق و شرق کشور نیز وزش باد و در برخی مناطق باد و گرد و خاک پیش‌بینی می‌شود. هوای شهر تهران امروز نیمه ابری و در پاره‌ای نقاط همراه با وزش باد پیش‌بینی شده است. بیشینه دمای شهر تهران امروز ۳۳ درجه سانتیگراد و کمینه آن ۲۲ درجه سانتیگراد پیش‌بینی شده است. هوای پایتخت برای روز دوشنبه نیز نیمه ابری، در پاره‌ای نقاط همراه با وزش باد پیش‌بینی شده است. بیشترین دمای هوا در این روز ۳۳ درجه سانتیگراد و کمترین آن به ۲۱ درجه سانتیگراد می‌رسد. به گزارش مرکز کنترل و پایش محیط زیست کشور، روز گذشته هوای شیراز و مشهد پاک، کلان شهرهای تهران، اراک و اصفهان سالم و کرج و اهواز در شرایط ناسالم قرار داشته است. در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشینه دمای ۴۵ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای ۶ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور بوده‌اند.